

# شرکت و معاونت در جرائم

بحث ويك فصل مخصوص برای شرح اخفاء اشخاص و اموال قرارخواهیم داد .  
از نقطه نظر دیگر معاونت را میتوان بمعاونت مادی و معاونت معنوی تقسیم کرد .

## مبحث اول

### معاونت سابق بر جرم

معاونت سابق بر جرم سه قسمت تقسیم میشود که عبارتند از :

تحریرك .

دستور دادن برای ارتكاب .

كتمك بواسطه تهیه و تدارك اسباب و آلات .

#### ۱ - تحریرك

تحریركات قابل مجازات بلسان قانون کارهایی است که در افکار طرف مقابل مؤثر شده و او را بارتكاب جرم وادار کند . بهترین مثالی که علمای قدیم حقوق جزاء برای تحریرك ذکر کرده اند عبارت است از دادن وگالت برای قتل .

انصافاً اغوا کنندگان و محرکین از نقطه نظر معنوی فاعل اصلی و تولید کننده حقیقی جرم هستند و کسی که در نتیجه تحریرك مرتکب جرمی میشود گرچه مباشر و قاتل مادی آن است ولی در واقع واسطه و آلتی بیش نیست و فقط اطاعت آمر و محرک را کرده است .

از این لحاظ باید اذعان نمود که محرک فاعل معنوی و مباشر فاعل مادی جرم میباشد :

درست است که فاعل مادی هم در حال ارتكاب فعالیت معنوی دارد و اگر فاقد آن می بود و اراده ارتكاب نداشت اصلاً جرم واقع نمیشد ولی اگر دقت شود قسمت عمده عنصر معنوی جرم بوسیله محرک و اغوا کننده تولید

مخالفین میگویند : بر حسب تعریف معاونت دخالت فرعی و شرکت دخالت اصلی در عملی است که قانون آنرا قابل مجازات دانسته باشد و لکن نیست که عملی در عین حال اصلی و فرعی باشد  
این استدلال را نمیتوان معتبر دانست بلکه باید قائل بتفصیل شد :

در موردی که معاون یک نفر بوده و دارای معاون یا معاونینی باشد معلوم است که فاعل اصلی را معاون گفتن برخلاف اصول کلی است زیرا که طبق مطالب سابق در مورد معاونت باید عمل اصلی قابل مجازات وجود داشته باشد تا معاون در آن معاونت کند در اینجا که عمل اصلی از شخصی سرزده چگونه میتوان گفت که همان شخص معاون در همان عمل اصلی است اما در جائیکه بشرکت چندین نفر جرم واقع شود و معاونینی هم دخالت کنند مانعی ندارد که هر يك از شرکاء را در عین حال معاون بشمارند در قوانین جزائی تصریحی در این خصوص دیده نمی شود ولی رویه قضائی کشور فرانسه هر يك را در عین حال معاون بشمارد .

## فصل چهارم

### اقسام مختلف معاونت

با ملاحظه مطالب گذشته و مواد ۲۷ - ۳۰ قانون مجازات عمومی ایران سه قسم معاونت وجود دارد :

معاونت سابق بر جرم .

معاونت معاصر با جرم .

معاونت بعد از جرم .

چنانکه گفتیم معاونت بعد از جرم را کمتر قانونی هست که امروزه قبول کرده باشد و اغلب قوانین آن را جرم مستقل میدانند و چون قانون ایران هم این رویه را اخذ کرده در این فصل فقط از دو قسم اولی معاونت

شده است و محرك مانند مغزی است که اراده خود را بوسیله دست بموقع عمل میگذارد و بدون شبهه مسئولیت مغز بمراتب سنگین تر از مسئولیت دست و سایر اعضاء است و بهمین لحاظ هر بعض قوانینی که معاون را بمجازات تخفیفتر از مجازات فاعل اصلی و شرکاء محکوم میکنند محرك را ولو که معاون بدانند از این تخفیف و ارفاق بهره مند ننموده و همان مجازات اصلی را برای او مقرر میدارند. و اگر قانونگذار تنها قسمت مادی را در نظر نگرفته و برای معنویات اهلیتی قائل میشد بایستی محرك را قائل اصلی و مرتکب مادی را معاون شمرده باشد.

اما برعکس این نظریه قانون ایران و بسیاری از قوانین خارجه بقسمت مادی جرم بیشتر اهمیت داده و محرك را معاون میدانند و این ترتیب خالی از انتقاد نیست و در قوانینی که اشاعه معنویات منظور اصلی قرار داده شده از جمله قانون اسلام اغوا کنندگان را ( در صورتی که تحریک اقوی باشد ) مرتکب اصلی قرار داده و کسانی را که در نتیجه تحریک مرتکب جرم شده اند از مجازات معاف میدارند.

موافق اصول کلی تحریک وقتی قابل مجازات است که واقفاً در مخیله مرتکب مادی تولید اثر کرده و او را بارتکاب جرم و اادار کند و الا صرف ترغیب تحریک محسوب نمیشود. در قانون مجازات ایران فقط اسمی از تحریک برده شده ولی شقوق مختلفه آن ذکر نگردیده است رویه قانون ایران قابل انتقاد است زیرا که دامنه تحریک عرفی خیلی وسیع است و چون قانونگذار نه تحریک را تعریف و نه حدود آنرا مقرر داشته تشخیص اینکه عملی تحریک است یا نه بعهده قاضی محول گردیده و جزء مسائل نظری شمرده میشود.

از تلفیق مواد قوانین خارجه که در خصوص معاونت در جرم وضع شده معلوم میشود که برای تحریک شقوق ذیل را قائل شده اند:

تهدید و انعام و تهدد . سوء استفاده از مقام و قدرت . توطئه و مکر و حیله .

برای اینکه تهدید قابل مجازات باشد و تهدید کننده

بمعاون معاونت تحت تعقیب جزائی در آید باید عمل او سبب تحریک مجرم و در نتیجه باعث تسهیل وقوع جرم گردد و تنها تهدید بدون اینکه اثری از خود در شخص تهدید شده ظاهر کند مجازات ندارد.

تهدد و انعام مسلماً وقتی میتواند در اراده و اختیار مجرم مؤثر واقع شود که قبل از انجام جرم بعمل آمده باشد و بعد از ختم عمل موردی برای انعام و تهدد نیست ولی گاهی شخص قبل از وقوع جرم در مقابل مرتکب تهدد میشود که در صورت ارتکاب بعد از ختم عمل موضوع تهدد را انجام دهد این تهدد هم باید معاونت شمرده شود زیرا که خود آن تهدد سبب وقوع جرم شده و مجرم بامیدواری آن اقدام کرده است.

تحریکی که در نتیجه سوء استفاده از مقام و قدرت بعمل آمده با تحریک ساده این فرق را دارد که اولی در حد اشخاصی اعمال میشود که در تحت اطاعت و قدرت محرك واقع گردیده اند و بر دو قسمت تقسیم میشود: یا اشخاص عادی در نتیجه قدرتی که نسبت باشخاص عادی دیگر دارند اعمال میکنند مثل پدر بیسر و مخدوم بخادم یا مستخدمین کشوری و لشگری نسبت باعضاء زیر دست خود اعمال مینمایند مثل رئیس به مرئوس .

توطئه و مکر و حیله قابل مجازات عبارت از تقلبات و تزویراتی است که بالاخره شخص را بارتکاب جرم و اادار می کنند .

قانون بلیشیک صریحاً در ماده ۶۶ مقرر میدارد:

برای اینکه تحریک قابل مجازات باشد باید بطور مستقیم بعمل آید بدین معنی که مقصود مستقیم از تحریک ارتکاب جرم باشد در کلمه تحریک این معنی مستتر است زیرا عرفاً وقتی تحریک بعملی صدق میکند که شخص برای انجام عملی دیگری را وادار کند ولی با این حال موردی را میتوان پیدا کرد که منظور از تحریک ارتکاب جرم نبوده بلکه مقصود محرك پرورش دادن خیالات فاسد در مخیله طرف مقابل باشد که بعد ها بتواند بارتکاب جرائم تمایل حاصل کند.